

ابه دست آه، ند.

هزینههای بسیاری که در راه آزادی و استقلال

هند متحمل شد، درنهایت هندیها به رهبری او در سال ۱۹۴۷ توانستند استقلال کشورشان

' تقد بود که وظایف شــخص

به خود، به خانواده، به وطن و به جهان از یکدیگر

. نحقیقت» کرد. او اعلام کرد که مهم ترین نبرد

او تلاشی بود که برای شکست شیاطین درونی،

رسها و احسـاس ناامنیهای خـود به عمل

راه حق و عشق هموارِ ه پیروز است

مذهبے هندی، تاریخے کهن دارد و در

مضامین مذهبی هنــُدو بودائیت، جین، یهُودُ و مسیحی به کرات دیده میشــود. گاندی در

شرح فلسفه و شیوه زندگی خـود در اتوبیو گرافـــیاش جمـــلات تأمل برانگیـــزی

«وقتــی نامید میشــوم

به خاطر می آورم که در طول تاریخ راه حق و عشق

همواره پیسروز بوده است. حکمرانیان و قاتیالان در

برههای شکستنایذیر جلوه

ر بی کنند ولی درنهایت همه نها سقوط کردهاند، همیشه

بهاینواقعیت فکر کنید»؛

که مرگ و بی خانمانی و بی سرپرستی، ریشه در حکومتهای استبدادی

داشته باشد با با نام مقد

شود؟» 

مرن شدهامونه برای کشتن.» او به همیمهان خود می گفت «در راه راست مبارزه کنید. دولی هرگز به اعمال زور و تشدد بین در اجرای اصول مورد نظر خود هر گز از مسیر منطق خارج نشد. در سال ۱۹۴۰ که حمله آلمان نازی بسه جزایسر برباتاییای

اجتنابناپذیر به نظر می رسید گاندی خطاب به مسردم بریتانیا در پیامی تحست عنوان عدم خشـونت در جنگ و صلح چنیس گفت:

«دوست دارم سلاحها را زمین بگذارید چراکه آن، کمکی برای حفظ جان و انسانیت شـما

ی با سلاح برداشــتن و وارد جنگ شدن هیتلر

موسولینی ها را دعوت می کنید تا وار د کشور

ر ر ر ر بی ر ر - کی - ر ر ر شما شوند و داشته هایتان را به یغما ببرند. اگر این آقایان محترم تصمیم بگیرند کشورتان را

اشخال کنند آنها را پس می زنید اگر شُـما را در بیطرفی خود رها نکردنـد آنگاه زن و مرد و

ئودک از خاک خود دفاع خواهید کرد و اجازه

گاندی خشونت را به طور تام، نفی نمی کرد. او می دانست که عدم توسل به خشونت مستلزم

اعتقادی راسخ و شـهامتی باورنکردنی بود که البته در همگان وجود نداشت. لذا سعی می کرد

به جهد تههی منا که درم نیست منه در مقابل از خشونت بر گاندی نمی خواست ایجاد ترس از ترس باشد. گاندی نمی خواست ایجاد ترس از سلاح برداشتن یا ترس از احساس ناتوانی مقابله

به همین منظور بسود که در یادداشتهایش نوشته بود: «قویا معتقدم هرجا بین خشونت و

أدامه در صفحه ١١

ترس گرفتار شدیم باید خشونت رابپذیریم.»

ومقاومت را در جنبش ساتيا گراهامشاه

به همه تفهیم کند که لازم نیسـت همه دس

خُواهيدُ داد به اهداُف خود بر گاهي خشونتُ لازُم است!

مُرِدنُ شدهام ونه برای کشتن.»

آزادی و دموکراسی ایجاد

توشته است:

#### زندگینامه ماها تماگاندی، رهبر سیاسی و معنوی انقلاب هند

#### آمادهامبراي مردن ونهبراي كشتن!

گاندیبرایوحدتمیان

مسلمانانوهندوهاي

کشورشیک ماهروزه گرفت ودر رژه نمک از ۱۲ مارس

تاع آوريل ۱۹۳۰ به همراه

بار کرد.این آغازی بود

-جهانیپیداکرد

«من چيز جديدي ندارم كه به دنيا ياد بدهم. حقیقت و ضدخشونت بودن همسن کوهها هستند». این سخن گاندی، رهبر انقلاب هند است که توانست با استفاده از شیوه ضدخشـونت نافرمانی مدنی استقلال هند را از بریتانیا بازپس گیرد و آن را از استعمار ر هاند. فلسفه بی خشونتی گاندی که خود نام ساتیاگراها (در سانسکریت به معنای تلاش و ست به طرفه رادار مستسرین به متعلق در وی بسیاری از جنبش های مقاومت بدون خشسونت در سراسر جهان و تا امروز تأثیر گذارده است. فاغ از این که بسسیاری اور ابعتسوان یکی از بزرگترین رهبران تاریخ تلقی می کنند، مردم هند از او با عنوان «باپو» به معنای «پدر ملت»

گاندی می گفت که اصول او ساده هستند و از باورهای سنتی هندو به نامهای ساتیا (حقیقت) و آهیمسا (ضدخشونت) گرفته شدهاند. اصل ر ساتیاگراهای گاندی روی بسیاری از فعالان آزادیخواه نظیر دکتر مارتین لوترکینگ، تنزین

ارادیتواه تغیر تا عظ هاریی نوتر یی گیاتسو، لخ والسا، استفان بیکو، آنگ سانسوکی و نلسون ماندلا تأثیر بسزایی گذاشته است. گرچه همه يسن رهبسران نتوانسستند تمام و کمال به ایس اصل ضدخشونت وفادار بمانند و ن, اتاانتهاادامه دهند.

چندصدهزارنفرهندی ۴۰۰کیلومترازاحمدآبادتا دُوران کودکی تاجوانی ساحل داندی راه پیمود تااز آب دریانمک بگیر دوبااین گانــدی» در ســـال ۱۸۶۹ در یک خانــواده هنــدو در عمل قانون ماليات نمك را نُحِرات هند مُتولد شــدُ. او برای میارز ددر راهاستقلال بری میبررد در رست. هند.اوبادعوت هندی هابرای تحریم کالاهای انگلیسی به وحودات و حبوانات احترام می گذاشہ ت و کوچکترین مبارزاتش ادامه داد که باز تاب آزاری به آنها نمیرســاند او به گیاهخــواری و روزهداری بــرای خودســـازی و خالص

کردن خُویــشُ و زَندگــی توام با گذشت کوشــش ورزید. در ماه می۱۸۸۳ درحالی که ۱۳ ســال داشــت با دختری همسن ترعایی که ۱۰ ستان تست به عرق المسال الداده خود ازدواج کرد: والدینش هر دو آنها را اداره می کردند: همسرش «کاستوریا» نام داشت که او را «با» صدا می زدند. گاندی در آن زمان در لندن ر . . پایتخت انگلیس زندگی سختی را می گذراند. او برای درس خواندن به لندن آمده بود و برای راضی کُردن مُادرشُ مبنی براجازه ادامه تُحصَیلُ و رُفتن به لندن، سو گندخور ده بود که از خوردن گوشت،

. الکل ولاقیدگی جنسی احتراز کند. او به انجمن خامخواران پیوست و یک مقر محلی نیز بسرای آن انجمن دایر کسرد، برخی از دوستان گیاهخوار و خامخوار او همچنین عضو انجمن فلاسفه الهیات بودند که در سال ۱۸۷۵ تأسیس شده بود و هدف ترویج برادری جهانی را دنبال می کرد و به مطالعه بوداگرایی و ادبیات مندوبرهمنىمى پرداخت.

رور می گیر بعد از مدتی، گاندی به هند بازگشت و شروع ه و کالت کرداما به خاطر عدم موفقیت در یب و صعب درست به حصوب درست موسویت در این حرفه به شغل پار موقت تدریس در یک دبیرستان روی آورد پس از مدتی به راجکوت بازگشت و به عریضه نویسی برای شاکیان مشغول شد ولی مجوز این کار را به او ندادند و مجبور شد كارش را تعطيل كند.

### استقلالهند

استفار المند گانــدی بــرای وحدت میــان مســلمانان و هندوهای کشــورش یک مــاه روزه گرفت و در رژه نمــک از ۱۲ مــارس تا ۶ آوریــا ۱۹۳۰ به همراه چند صدهزار نفر هندی ۴۰۰ کیلومتر از ر ر احمد آباد تا ساحل داندی راه پیمود تا از آب دریا نمک بگیرد و با این عمل قانون مالیات نمک را بیاعتبار گردداین آغازی بود بُرای مبارزه در راه استقلال هند.

او یا دعیوت هندی ها برای تحریج کالاهای روب ـــرو مسرو مستوی به برای عاریه استوی انگلیســـی به مبارزاتــش ادامه داد کــه باز تاب جهانی پیدا کرد و نهایتا انگلیســـیها را مجبور به مذاکره کسرد بعد از تلاشهای پسی در پی و

بیوگرافی

ساندن

مسعودر فيعى طالقانى

یکی از جنبشهای بزرگ مبتنیبر یدی بررد در تعبین سای بررد درد جنبش عدم خشــونت در قرن بیستم بی تردید جنبش اســتقلال هند به رهبری ماهاتما گانــدی بوده است. است. اما پرس اســت. اما پرســش اینجاســت کــه گانــدی از خود میراثــی فکری – فلســفی بر جــای نهاده یا تاکتیکی سیاسی -اجتماعی و نیز این که چرااودر سنتی انگلیسی این تز را به کار بسته اسُـت؟ از دیگر سو بحث بر سـر این است که آیا عدم خشـونت در جهانی مملو از خشـونت سازمان یافته و ساختار مند که ویژگی اصلی اش تهی کردن ذهنیت سوژههای سیاسی است، حرفی خنده آور، مانند پروپاگاندای حقوق بشر در کشــورهای جهــان سُــومی نیســت؟ آ پرسشهایی است که در این گفتوگو با احـ ر کی ہے ۔۔۔۔۔۔۔ شریعتی صفود شریعتی درمیان گذاشته شدہ است. . . .

0

آنچه در تفکرات و نگرش سیاسی - اجتماعی ماها تما گاندی به عنـوان رهبر اسـتقلال هند بهعنوان «عدم خشونت» مطرح هست بیشتر از . كدام انديشه ها و فلسفه ها سرچشمه مى گيرد؟ به بيان ديگر چقدر در فلسفه هنــدى و اصولا فلسفه شرق ریشه دارد و چقدر در فلسفههای دیگر؟

. منبع فکری جنبش عدم خشونت که گاندی نماد آن شده از یک سوریشه در همان هندوییسم دارد که در آنجا با همان «میل به نکشتن» تعریف می شود. این یک منبعی است که بهطور سنتی وجود داشته از سوی دیگر هم عدم خشونت در تفکر التمدرن اروپایی یاهمان سنت غربی ریشه دارد. گاندی غیر از آن که از متفکرین . ندگان مُختلف متاثر شــده، خودش هم نفكري حقوقي داشته كهعدم خشونت در تفكر حقوقي، یک اصل است.

• به نظر شــما طــرف مخاصمه گانــدی یعنی «مپراتوریانگلیس»هم،نقشیدرانتخابنحوه مبارزه گاندی و مردم هندوستان برای دستیابی بهاستقلال داشته است؟ مثلااگر قرار بود گاندی در برابر فرانســویها هم بجنگدهمین تاکتیک سُونترااُختیارمیکرد؟

مسلماداشته است. سنید، گاندی در برابر امیراتوری انگلیس ایستاد که سنتی متفاوت از جاهای دیگر دارد. مالاخودسنت انگلیسی هم متفاوت از سنت فرانسوی است پس روش مبارزه کشوری که تحت استعمار انگلیس بوده قطعا با روش مبارزاتی کشوری که تحت استعمار فرائسه بوده باید متفاوت باشد. در سنت انگلیسی بعد از این که استعمار گریاش مورد مقاومت قرار می گرفته، کشــورهای تحت استعمارش را جمع رر کی ر میکرده در یک بازار مشترک و رابطه راقطع یا یکسویه نمی کرده در حالی که در سنت فرانسوی این طور نبوده وسياست قطع ارتباط وأغاز همه جانبه سركوب وجود ت. یا به بیان دیگر سنت *انگ*لب ـــــ په بین دیمر سنت انگلیسی، سنتی لیبرال اســت و اصلا انگلیس مهد لیبرالیســم است، در حال که به ۱۰ درحالی که می دانیم سنت دمو کراتیسیم فرانسوی، سنتی جمهور یخواهانه است و در کی که از لائسیته و عرفــی بودن دولــت دارند تا حُدی مثل کمُونیس ســت. آنچنان که حتی در ســنت انقلابی فرانس

اقلیتهاکمتراست. یس گانــدی یکــی در هنــد ریشــه دارد و این که پس نصدی پیشی در مصد رید کرد. می می خواند می می خواند کانتگست می خواند چون بدهر حال یک تحصیلکرده و روشنفکر بر آمده از غرب محسوب می شده است. او خواسته در برابر کلونیالیسم انگلیسی یک شیوه متناسب با خود آنها ادرسش بگیرد.

ژاکوبنیسم - تساهل نسبت به سایر جاها در قبال

ُ • به این اعتبار به نظر میرسد که جنبشهای پاسیفیستی دوران جنگهای جهانی هم در پ تدویــن و تطور فکر سیاســی اجتماعی او نقش عمدهایداشتهباشند...

البته که در زمینه های عدم خشونت یکی از

وُجُود آمده بود پاسیفیسم بود. میدانید که مخالفین جنگ، پاسیفیستها و آنارشیستها بودند که حتی بر خلاف سوســــیال دمو کراتها که بر خی شان جذب ر. جريانهای ناسيوناليستی شـدند، اينها اصلامخالف جنگ بودند. همين الان هم گرايشهای پاسيفيستی این زمینه های فکری و سیاسی استفاده کند که موفق هم شد. روشــی را پایه گذاشت که به طور جهانشمول می تواند دستاور دی برای بشریت باشد.

•ولی دُر اصل باید بپذیریم که نوعی سیاس

به خصوص کــه او در مطالعهای کــه در اقصی نقاط مقاومت مثبت سر کوب شده و نتوانسته مردم را بسیج کند این است که او باز گشت به این که ما با چه زبانی قضیه که عدم خشــونت می تواند چه ایده مهمی برای همه تمدن ها و کشورها و... باشد این یک پدیده خاص هندی ودرمتن لیبرالیسمانگلیسی است.

ولی در عالم سیاست تفکر کافی نیست و باید در شرایط مختلف، تعین تاریخی و سیاسی -اقتصادی به خودش

جنبشهایی که در اروپا در آستانه و بعداز دو جنگ بزرگ جهانی-که آن همه خسارات هولناک داشت-به

• گاندی از نُقطــهُای که توجــهاش معطوف به حوزه اخلاق می شـود گرایش شــدیدی نسبت به عُدمخشونت پیداً می کُندو درواقع بیشتر به تساهلو تسامح می گرود. آنچنان که گفته است: «حقیقت یکی است ولی هیچ کس همه آن را در اختیار ندار دپس بایسد به اعتقاد دیگران احترام بگذاریم». این درواقع یک کداخلاقی است. این . روده ای است که او معطوف به دین شده و مال دوره ای است که او معطوف به دین شده و رفته و هندوییسم را برای خودش انتخاب کرده ست. انگار که با بدیند بر هندو پیسیم برای گرایش به «ساتیاگراها» گاندی کفایت می کرده

بله، حالاما شرایط سیاسی -اجتماعیاش راهم گفتیم که البته بدون گفتن آنها نمی شود شرایط را

اخلاقى رابا كاربست اخلاق سياسى ايجاد كرده

گاندی به قول میشل فو کو، یک نوع معنویت سیاسی ایجاد کرده و این را از سنت هندی گرفته است. بینش هندوییسم بینشی است که در آن یک نوع هستی گرایی واحترام ورعايت همه موجودات ديده مى شـود. شما لان دُر هُنُدُ مي بينيد كهُ پذُيرش جهان و موجُودات و حيوانات و.. در حد بالايي است. جوري استُ كه همه حيواًنات أزادندُ درواقع هيچ موجودي حذف نمي شود یر ۔ یعنی در هندما با یک جهان زیست متفاوت سر و کار داریم و این قابل فهم است که گاندی خواسته باشداز ریبار یان ۱۰۰۰ این سنت وریشه فکری استفاده کند.

. کشـور و شـیوههای مبارزاتی می کنـد، می بیند که اندک مقاومتهای موجود هم موفق نیسـتند و روش بایدبامردم صحبت کنیم و چطور می شوداین توده های عظیم هندراکنار هم آورد.ولی غیراز جنبه جهانشمول

از این رهگذر که شمامی گوییدعدم خشونت •از این رهگذر که شمامی ر بیار حدر حسد کی تریید کام مسودی رابایداز دو منظر سیاسی و فلسفی دیداما میان ایس دو نگرش فاصله افتاده است. یعنی را بایــداز دو منظر سیاس نظر فلسفی و نیز دینی، با عمل سیاسی منطبق و هم افزانیست به همین اعتبار است که در سنت لیبرالی نوعی ناتوانی در اندیشیدن به امر سیاسی، ریشههای عمیق دارد. به قول اشمیت، .. ی ر .... دی صبیعی در د. به مون سمیت. تفکر لیبرال می خواهد استلزامات اخلاقی را به امر سیاسی تحمیل کند.

ر ... رق ... خب مسلما همیشـه بینش فلسفی یا دینی هست که به عنوان جهان بینی و پایه است و از آن ایدئولوژی و . . روی . به ن... هری . . . . . رور ن . . رور ن استراتژی بیرون می آید ریشه ها همیشه در تفکر اس

.. می خواهم بگویم در مواجهه باوضعیتهای مختلف وههای مختلف فرق می کند. ممکن است همین روش گاندی در جایی دیگر جواب نمی داده است. مثلاً در شمال آفریقادر برابر فرانسه. بگذاریدمثالی بزنم؛ مثلا فرانتس فانون که یک روانکاو انقلابی اهل جزایر آنتیل بوده که تحتاستعمار فرانسه بوده و بعدا به الجزاير پیوسته، بحثی دارد درباره خشونت در کشورهای



گاندی و فلسفه نف*ی خ*شونت،

# در جستوجوی

استعمار زده که چگونه خشونت می تواند نقش مثبتی . ـد، یعنی در مقاومتی که یک استعمار ۰٫۰ زدهمی کندچگونه این تحقیر شدگی پالایش و تصفیه میشود که البته ســـار تر هم این را در جمله معروفش ی از در این استعمار زده یک استعمار زده یک استعمار گر را می کشد در آن واحد ۲ نفر آزاد می شوند یکی استَعُمار زده و یکی استعمار گراُ» هانا آرنتُ به این بحث ایراد گرفته که سار تر با این حرفش خشونت انقلابی را تشدید کرده است می دانیم که بحث خشونت در تاریخ ُفکر از زمان ارسطو که خشونت بهعنوان زور در برابر طبیعت قرار دارد -که منظورش به کار بردن یک امر مکانیکی در مقابل یک امر طبیعی است - هست تا

را مطرح کرده و معتقد است دولت متولی آن است. به

ر ر ... ی یک نگاه دیگر به خشــونت - که آن را به معنای منفی قلمداد می کند - کــه در مجموع خشــونت می تواند کارکردسرکوبگرداشته باشدیعنی امرغیر مشروع برای بسط سلطه همیشه دست به دامان خشونت می شود. گاندی بودهاست. حالادر كنار ابنهاسيه تعريف مثبت إز خشونت هم ت؛ یکی نزُد ماکس وبر که بحث خشً

این معنا خشونت در انحصار دولت است که یک تعر بامعه شناختی وبری است. یکی دیگر نزد مارکس است. مار کس در ٌ دُنباله هگل قرار دار د و دارای هُمان دید هگلی است که جنگ و خشونت در فلسفه تاریخ أنها عمل می کنند مار کس آمده این را به عنوان مامای ، اریخ در نظر گرفته. به بیان او خشونت باعث میشود که تاریخ به وســیله انقلابات پیش برود و زاده شــود. ، یکی دیگر هُم همین بحث فانسون در رابطه با جوامع کلونیزهاست.اینهاسهمفهوم و تعریف مثبت از خشونت

حالاخشونتى كەدر دورە گاندى از آن پرھيز مىشود مصداق خـودش را در یک زمینه دیگری پیدامی کند یعنی همان موضوع ربط سنت هندی و سنت انگلیسی که گفتیم جالب آن که شریعتی که یکی از معرفین فانون در زبان فارسی است در عین حال شاگردماس است که ماسینیون خودشی ئسی انحمه ط ينيون خودش رئيس انجمن طرفداران

•پس چگونهاین دووجه باهم می خواند؟ در محتوا به نظرم تفاهمی هسـت و آن نســبت به

## سخناني خواندني ازماهاتما كاندي

او نادیدنی و غیرقابل توصیف اس

جنگنده عاشق مرگ است. نه مرگ در بستر بیماری بلکه مرگی که در میدان نبرد سر میرسد... مرگ در هر زمانی خجسته و مبارک است ولی برای جنگندهای که برای آرمان خود -

ـت و در نتیجه، از نظر ادبی می توان گفت، او نامهایی به تعداد همه انسانهای روی زمین دارد. این که ما او را به چه اسمى مىنامىم، اهميت چندانى ندارد. او يكى است و دومی ندار د.

حقیقت-میمیردخجستگیآن دوچندان است.

چیزی در درونم مراوامی دار درنج خود را باصدای

بلند فریاد کنم. من نیک دانسته ام که چه باید بکنم. آنچه در درونم هست و هر گز فریبم نمی دهداکنون به من می گوید: باید در مقابل تمام دنیا بایستی حتی اگر تنها بمانی. باید چشم در چشم تمام دنیا بدوزی حتی اگر دنیا با چشــمان خون گرفته به تو بنگرد. ترس بــهدل راه نده. به ســخن آن موجود کوچکی ر ص ر . ر ر کی کی که در قلبت خانه دارد اطمینــان کن که می گوید: دوستان، همســر و همهچیز و همهکس را رها کن و فُقط به آنچه برایش زیســتهای و بهخاطرش باید بميرىشهادتبده.

عدم خشونت فقط وقتی خواهد بود که ما کسانی را دوسـت بداریم که از ما نفرت دارند. می دانیم که

تواضع یعنی تحمل رنج و زحمتــی مداوم در مت به بشریت، خداوند همیشــه حاضر و ناظر ِوزی آن نیست که هر گز زمین نخوری، آن ت كه بعداز هر زمين خوردني برخيزي.

عمل کردن به این قانون بزرگ محبت چقدر دشوار است اما آیا انجام تمام کارهای بزرگ دشوار نیست؟

تمامی گناهان، نهانی صورت می گیسرد. آن لحظه ای که درک کنیم خداوند حق بر افکار ما گواه لحظهای نه در ب سیم ر است، شایدرها و آزاد شویم.

خودراقربانی کنیم بهتر است تادیگران را.

من به کسانی که از مذهب خود با دیگران سخن





اگر فقط یکبار حضور خدا را بپذیرید، هرگز به ضرورت دعاونیایش شک نخواهید کرد.

برای کســی که اندیشه عدمخشــونت را در خود ورده است، تمام عالم یک خانواده است. نه ترسی به دل دارد و نه کسی از او می ترسد.

جوهره خود را ازیک چشمه می گیرند که منبع همه آنهاست. طبیعتا اگریک مذهب وجود دارد، یک خدا بیشتر نمی تواند وجود داشته باشد. اما

من از گناه بدم می آید نه از گناهکار.

صور من بیش از یک مذہب در جہان وجود در صور می بیس رید مصحب در بهن و برد. ندارد، اما همچنین میاندیشــم کــه این مذهب، درخت تنومندی است که دارای شاخههای فراوان است و همچنان که تمام شــاخهها شــیره مورد نیازشان را از یک منبع می گیرند، تمام مذاهب نیز